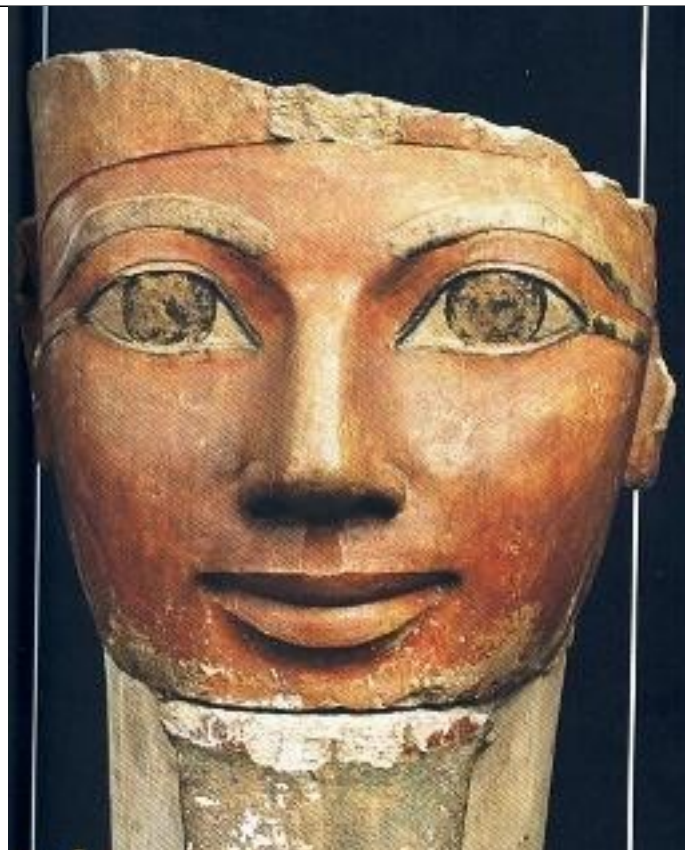


سیاست نظامی ملکه فراعنه

۱۷ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۵۴

او با هرگونه اعمال خشونت مخالف بود، ولی در برخی موارد جهت حفظ حکومت فرعونى و تمامیت ارضی مصر ناچار از پرداختن به جنگ می شده است. این تنها لشکرکشی در دوره زمامداری این فرعون بانوست که مورد تأیید مورخان با استناد به منابع مصریان قرار گرفته است. برخی از پژوهشگران و مصرشناسان درباره ملکه هچسوت نظریات متفاوتی دارند و او را ستیزه جو و سیطره طلب نیز به شمار آورده اند. ولی این دیدگاه دارای پیروان اندکی است.

پیش از این نیز درباره این فرعون بانوی جنگ گریز سخن گفته ایم. او با هرگونه اعمال خشونت مخالف بود، ولی در برخی موارد جهت حفظ حکومت فرعونى و تمامیت ارضی مصر ناچار از پرداختن به جنگ می شده است. این تنها لشکرکشی در دوره زمامداری این فرعون بانوست که مورد تأیید مورخان با استناد به منابع مصریان قرار گرفته است. برخی از پژوهشگران و مصرشناسان درباره ملکه هچسوت نظریات متفاوتی دارند و او را ستیزه جو و سیطره طلب نیز به شمار آورده اند. ولی این دیدگاه دارای پیروان اندکی است. طی این تنها لشکرکشی هچسوت وی برآن شد تا فرمانروایان محلی را که تازه نفس بوده و بری تمامیت ارضی مصر خطرناک به شمار آمده و به مرزهای مصر نیز دست اندازی کرده و شماری از کاروان های تجاری را مورد حمله و تهاجم و تجاوز قرار داده و امتعه آنها را غارت کرده بودند، فرمانبردار خود کند. وی مقتدرترین این یاغیان را به زیر فرمان خود درآورد و شماری از این حاکمان را به مصر آورد. برخی از آنان به ملکه اعلام وفاداری کرده و اظهار داشتند که در کنار وی در برابر دشمنان ایستادگی خواهند کرد، لذا با آنان به مهربانی رفتار شد و در کنار درباریان ماندند. همین افراد بعدها مشکلاتی را به وجود آوردند و به فکر گرفتن زمام امور در دست خود افتادند.



نقوشی از هنرمندان اهل تب دردست است که این امر را تأیید میکند و مطالعات مصرشناسان با این نتیجه رسیده است که پس از گذشت مدتی گروهی یاغی و اشغالگر همانند هیکسوس ها در گذشته، به تاج و تخت فرعون و سرزمین مصر طمع می کنند. نفوذ و ورود سربازان و افسران نوبیایی در ارتش مصر که در نقوش فوق به چشم می خورد، این واقعیت را کاملاً نشان می دهد. این تنها در سپاه مصر نبود، بلکه نوبی ها در ارکان حکومتی و دیوانی نیز نفوذ کرده و ارکان اقتصادی و صادرات و واردات مصر را قبضه کرده بودند. گروهی از همین اسیران بی شمار به وسیله یارانشان که در دستگاه حکومتی ملکه دارای مشاغلی بودند، آزاد شده و به زادگاه خود بازگشته و در کوش از نو به برنامه ریزی جهت رسیدن به قدرت پرداختند.

این اسیران رها شده از بند فرعون به سازمان دهی نیروهای خود در قالب سپاه چریکی مشغول شدند، ولی به اندازه کافی آذوقه و ساز و برگ دفاعی نداشتند. نقشی از توتموزیس سوم در دست است که با این یاغیان همانند جانوران وحشی برخورد کرده و آنان را یکی پس از دیگری از پای درمی آورد و رئیس و فرمانده آنها را همانند کرگدنی به بند کشیده و دست و پای او را بسته و او را به شاخه های او یزان کرده است. فراعنه یکی پس از دیگری با این مشکلات سروکار داشته و هرگز حاضر نشدند از آن ناحیه چشم پوشی کنند، لذا آن منطقه را به عنوان یکی از پایگاه های اقتصادی خود درآوردند که پس از سقوط مصر به دست پارسیان نیز نشانه های از انبارهای کالا و دفاتر معاملاتی بازرگانان مصری در آنجا دایر بوده است. در آن ناحیه ذخایر طلای زیاد گزارش شده و چوب، احشام و لوازم زینتی از جمله دیگر کالا های آن ناحیه بوده است که فراعنه مصر از آن گسترش اقتصاد و مبادلات کالا استفاده می کرده اند.

مصریان به فرار سکنه بومی منطقه نوبی و کوش و سرزمین های مجاور اهمیت نمی داده اند. کشتی های مصری از آن نواحی چوب های مرغوب جنگلی برای ساختمان سازی، قایق سازی، کشتی سازی و صنایع نظامی به مصر برده و بخشی از آن را نیز به

سرزمین های دیگر می فروختند. بردگان سیاه را گروه گروه سوار کشتی ها کرده و یا با وسائط دیگر به مصر آورده و سپس آنها را دسته بندی کرده و متناسب با توانایی جسمانی و کارآیی بین مصریان تقسیم می کردند و مازاد آنها را در بازار برده فروشان بین النهرین، کرانه های دریای اژه، کرت، قبرس و ... به فروش می رسانده اند. سنگ های بهادر و نیمه بهادر از دیگر کالایی بود که از آن مناطق به مصر آورده می شده است. احشام گوناگون به شمار انبوه متعلق به مصریان شده بود. چرم دباغی شده و خام (دباغی نشده)، اشیاء زینتی، پوست پلنگ و پر شترمرغ و تخم مرغ و دُم زرافه و میمون نیز از جمله غنائم این مناطق بوده اند که به فهرست کالاهای مصریان افزوده شده است [۱]. در این باره نیز نقوش متعددی در دست است که انتقال غنائم فوق را به مصر به تصویر کشیده اند و تسلیم شدن بلامنازع فرمانروایان نوبی و کوش را نشان می دهد.



مصریان در راستای سیاست های جهان گشایی خود هنوز به مرحله نهایی اهدافشان نرسیده بودند، زیرا بخش های قابل توجهی از قاره آسیا که زرخیز و مورد توجه مصریان بوده است، هنوز به تصرف فراعنه سیطره طلب مصر در نیامده است بخش هایی از قاره آسیا از جمله سرزمین های همسایه مصر که از زمان های پیشین جزو متصرفات مصر بودند، گاهی سر به شورش برداشته و اعلام استقلال می کرده اند. صحرای لیبی و صحرای مجاور مصر، حبشه و لیبی که از زمان حکومت آمنوفیس یکم جزو قلمرو مصر به شمار می آمده اند و در آنجا در ادارات مصری، قوانین فراعنه مجری و معابد خدایان مصر برپا شده بودند، هم اکنون به تقلید از اقوام و قبایل دیگر گاهی علیه مصریان طغیان می کردند. همانند این ناآرامی ها در مناطق اعراب نشین هم به وقوع می پیوسته است، ولی فراعنه با آنها به شدت برخورد کرده و سازمان دهندگان این گونه توطئه ها و فرمانروایان محلی این مناطق را از دم تیغ می گذرانیدند و یا آنها را روانه مصر کرده و به بردگی می بردند.

در سال ۱۵۳۰ پیش از میلاد مسیح سرزمین های عربی از کلیه یاغیان و شورشگران پاک سازی شده اند. برخی از منابع تاریخی آورده اند که شورشیان این مناطق بقایای هیکسوس ها بوده اند که تار و مار شده و یا هیتی هایی بوده اند که دشمنان دیرینه فراعنه به شمار می آمدند. در همین منابع آمده است که آموزش در سال ۱۵۳۰ پیش از میلاد مسیح از ناحیه تور [۲] که به

احتمال زیاد همان بندر صور [۳] در فنیقیه (لبنان کنونی) است، هزاران رأس گاو و چندین هزار برده را به مصر انتقال داده است. فرعون چندین فروند کشتی را به این امر اختصاص داده است. به این ترتیب می توان دریافت که فراعنه مصر برای جبران نابسامانی های اقتصادی خود به هر اقدامی دست می زده اند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۰۹۴/فراعنه-ملکه-نظام-سیاست>